

زندگینامه دانشجوی شهید



محمد قربانفر شاد

ان الله اشترى من المؤمنین انفسهم واموالهم بان لهم الجنة یقاتون فی سبیل
الله فیقطنون ویقطنون وعداً ملیه حقاً *

سخن از وجود افضل و مقدس و پاکی است که در صحنه هستی بعنوان اصل تهن، با تقوا تهین
صالح و صادقین عنصر کمال یافته * الهی می درخشید، سخن از وجود پاکدل و جانبازی است
که جان نثاری و از خودگذشتگی و سوختن و سوزانیدن خورشید، محیط جامعه را برای تکامل و
و کمال یافتن می سازد * سخن از شهید است، که در دنیای خون با هجرت از —
وابستگی ما و جهاد فی سبیل الله و بیکارها کفر و الحاد شنا می کند و خود را فدا می کند تا
چراغ پر نور فکارت روشن مانده تا ما حق و باطل را از هم تشخیص دهیم، سخن
از شهید عزیزی است که با شهادتش بار دیگر خون مظلومیتش را بر تارک تاریخ زد و ورق،
دیگری از تاریخ را خطی الهی و مقدس بخشید *

شهید محمد قربانفر شاد در سال ۱۳۴۵ در خانواده ای متدین و مکتوب در شهر خرمشهر متولد
شد که برای نور و برکت منزل نام او را محمد نهادند و از آنجا بود که نهش * حب و عشق به ائمه
اطهار (ع) را در وجودش بذرهایش کردند و روز بروز که بر او سپری می شد علاقه اش به ائمه
اطهار بیشتر و مخلص تر می شد بطوریکه در همان اوان کودکی صحبتش را با قرائت قرآن جلا و صفا
می بخشید و تا زمان حیات قرآن و عشق به ائمه اطهار را بهترین شفیعان خود می دانست *



هی در سن ۶ سالگی دوران تحصیلی خود را در دبستان ملی ملای که
مسئولیت آنرا امام جماعت مسجد جامع خرمشهر به عهده داشت
زیر نظر معلمین دلسوز و متدین شروع کرد و تا کلاس پنجم در آن دبستان

مشغول به تحصیل بود * شهید محمد سال اول راهنمایی بود که انقلاب اسلامی به زمامت (رهبری) حضرت امام خمینی به اوج خود رسید و او با شرکت در جلسات قرآن و محافل اسلامی و فعالیت‌ها در هیئات مدرسه اظهار وجود و طرفداری نمود تا اینکه مزدوران از خدا بی خور بعثت جعله به ایران اسلامی را شروع کردند که شهید تا آخرین لحظات سقوط خوین شهرها سپاه پاسداران خوین شهر همکاری می نمود ، تا بالاخره زیر آتش شدید بعثیان مجبور به یک مجرت تحصیلی به کاشان شدند و با کمال خون و اندوه خوین شهر پر غاطه را وداع کردند در کاشان در همین اینکه به دین و فراگیری علم مشغول بود ، با شرکت فعال خود در بسیج سپاه پاسداران ، فعالیت خود را در امور فرهنگی ادامه می داد و در تابستان ۱۳۶۱ همراه برادران سپاه به کردستان رفته و مدت سه ماه در آنجا به فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی بر علیه احزاب چپ و منافقین اقدام می کند ولی مجدداً برای ارتباط نزدیک با جبهه های جنوب خصوصاً خوین - شهر به همراه خانواده به دزفول می آیند و در همین شهر به ادامه تحصیل در هنرستان - شهید بهشتی مشغول می شود که در این چند سال شخصی موفق و مؤثر برای انجمن اسلامی هنرستان واقع می شود که به تبلیغ خط خوین اسلام و معرفی اسلام همت می نماید * شهید محمد بعد از اتمام دوران هنرستان در کنکور سراسری شرکت کرده و موفق می شود تا به ادامه تحصیل در آموزشکده فنی مرز در رشته راه و ساختمان گردد * وی در دانشکده نیز عضو انجمن اسلامی گشته و فعالیت خود را در سطح بالاتر ادامه می دهد بعد از طی مقداری از درسی - بعنوان دانشجوی بسیجی در تاریخ ۱۳۶۵/۱/۲۵ از طریق لشکر شورا راهی جبهه های نور ظهیر ظلمت گشته بعد از مدتی منتقل به لشکر ۷ ولی عصر می گردد بعد از شرکت در عملیات پیچ انگیزه پاهانی گرفته جهت ادامه تحصیل به صوز رفته و امتحانات خویش را با موفقیت به اتمام می رساند وی در تاریخ ۶۵/۱/۲۵ جهت عهد پهنانی که با جبهه وشیدا داشت در مهندسی رزمی سپاه یکم راهی جبهه های نور ظهیر ظلمت گشته و در مهندسی رزمی سپاه یکم شروع به فعالیت می نماید و از آنجا که از دوران کودکی در نقشه کشی و امور مهندسی همیشه با روی مکار پدر خویش بوده خیلی سریع طرحها و زحمات شهید مورد پسند مسئولین طرح و عملیات قرار می گیرد و مسجد را بعد از اتمام ماموریت - داوطلبانی بیست و سه ماه در واحد طرح و عملیات مهندسی قرارگاه کربلا ادامه فعالیت داده تا اینکه در تاریخ ۶۶/۱/۲۵ مطابق با نیمه شعبان میلاد با سعادت حضرت ولی عصر (عج) اثر بمباران هوایی مزدوران بعث از ناحیه سروزورت مجروح شده به بیمارستان امام خمینی صوزا زخمی شد و در همانجا هنگام عمل جراحی بر روی سر در تاریخ ۶۶/۱/۲۶ طشقانه و خالصانه به شهادت تاقبل می شود از خصوصیات بارز دانشجوی شهید می توان روابط احترامی و ادب نسبت به بزرگتر از خود را نام برد و همیشه شعار شهید انجام دادن صلح رحم بود که در بین اقوام خویش معروف بود * با امید پیروزی نهایی رزمندگان اسلام بر کفر جهانی

